

حقوق محیط زیست در اسناد بین المللی و قوانین افغانستان^۱

چکیده

محیط زیست به همه محیط های گفته می شود که زندگی در آن جریان دارد و به معنی محلی است که آدمی را احاطه کرده است .

محیط زیست شامل: آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می گردد. رشد روزافزون آلودگی و تخریب محیط زیست و بروز بحران های پی در پی زیست محیطی باعث شد دولت ها امروزه به طور جدی به تکاپو بیفتند و برای جلوگیری از تخریب محیط زیست چاره اندیشی نمایند. به این جهت تاکنون حدود ۲۸۰ معاهده و موافقت نامه بین المللی و منطقه یی در زمینه حفاظت محیط زیست و مسائل مرتبط با آن منعقد شده است .

در عرصه داخلی نیز اغلب کشورهای جهان گام های مؤثری را در جهت تدوین و اصلاح قوانین و مقررات و سیاست های متنوع داخلی خود، در عرصه محیط زیست خویش برداشته اند.

دولت افغانستان با پذیرش برخی از اسناد بین المللی در زمینه محیط زیست، قوانینی در مطابقت با قواعد حقوق بین الملل وضع نموده است، ولی این قوانین تأمین کننده حقوق محیط زیست نمی باشد، اجرای این قوانین در افغانستان با ملحوظ نمودن اسناد بین المللی با خلاء ها و چالش های فراوانی روبرو است، تمام زمینه ها و معضلات محیط زیستی را پوشش نمی دهد و به صورت ناقص می باشد. در عمل نیز با توجه به جنگ و نابسامانی های حاکم بر کشور در سه دهه گذشته در جهت بهبود و حفاظت از محیط زیست کار قابل توجهی صورت نگرفته است.

بدیهی است، صرف وجود قوانین و مقررات، بدون قدرت اجرایی مشکلی را حل نخواهد کرد. حمایت از پژوهش های ملی، وجود نهادهای نظارت کننده بر اجرای قوانین، اختصاص بودجه های مناسب برای کاهش کربن، جلوگیری از تغییرات آب و هوا، حفظ تنوع زیستی، استفاده از انرژی های پایدار و حفظ منابع آبی و جلوگیری از آلودگی آب و خاک و... راه کارهایی هستند که می توان با تکیه بر آن ها محیط زیستی سالمی را در جهان و افغانستان مستقر کرد.

کلید واژه:

حقوق بین الملل، محیط زیست، محیط زیست افغانستان، اسناد بین المللی و محیط زیست.

^۱ دادمحمد واحدی، ماستر حقوق بین الملل و ماستر فقه و مبانی حقوق اسلامی

طرح تحقیق

مقدمه

سال ها است که بشر متوجه محیط زیست گردیده که نباید تخریب کند اما از دهه های آختر قرن بیستم، اهمیت حراست و حفاظت محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن جدی تر مطرح گردیده است. امروزه خطر بزرگی که بشر از ناحیه ی مشکلات زیست محیطی احساس می کند، نه تنها آرامش و امنیت زندگی او را بر هم زده، بلکه موجودیت او را هم در معرض تهدید و خطر قرار داده است. بنابراین، در کنار مشکلاتی که بشر امروز دارد، فاجعه ی به هم خوردن تعادل زیست محیطی یکی از مهمترین نگرانی های او است. آلودگی آب و هوا، گرم شدن کره ی زمین، بالا آمدن سطح آب دریاها، انهدام گونه های گیاهی و جانوری، فرسایش لایه ی ازن، تخریب جنگلها، باران های اسیدی، آلودگی های صوتی، آزمایشهای هسته ای مشکل یک مردم و منطقه خاصی نیست بلکه مشکل جهانی است.

هرچند تأثیر انسان بر محیط زیست پیرامون خود عمری به قدمت حیات او دارد، اما تخریب و نابودی آن، به دنبال انقلاب صنعتی و افزایش سریع جمعیت بوده است. پیشرفت علم و فن آوری انسان را قادر ساخت تا طبیعت را مقهور خویش ساخته و موجب انهدام تدریجی، اما مستمر محیط زیست گردد.

در سال ۱۹۷۲ در اعلامیه ی استکهلم بین حقوق بشر و محیط زیست رابطه و پیوندی اساسی برقرار گردید در ماده ی یک این اعلامیه آمده است: انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه ی زندگی با حیثیت و سعادت مندانه را بدهد، برخوردار است. او رسماً حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسلهای حاضر و آینده را بر عهده د ارد. از آن تاریخ به بعد به حق بر محیط زیست، به طور مستمر، در اسناد بین المللی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی ۱۹۸۲، دارا بودن حق بر محیط زیست را یکی از اشکال حرمت و حیثیت انسانی تلقی کرده که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل های آینده است. بر اساس ماده ی ۱۵ این پیش طرح، دولت های عضو متعهد می گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی صدمه وارد کند.

منشور جهانی طبیعت نیز اصول ۱۴ تا ۲۴ خود را به نحوه ی به کار بستن و اجرای اصول مربوط به دارا بودن حق بر محیط زیست و حفاظت از آن اختصاص داده است. همچنین مواد ۱ و ۱۰ اعلامیه ی ریو نیز حاوی قواعدی مشابه هستند.

این دستاوردهای مهمی اند که باهزینه سنگین و تلاش های مستمر و پیگیر افراد زیادی به دست آمده است.

(مهدی فیروزی، (۱۳۸۴: ۱۱)

بدون رعایت معاهدات بین المللی و تصویب قوانین داخلی در تطابق با اسناد بین المللی، رسیدن به توسعه پایدار امکان پذیر نیست، برای رسیدن به توسعه پایدار، همکاری های بین المللی مهم ترین راه محسوب می شود. در این تحقیق به دنبال این هستیم که حقوق محیط زیست در اسناد بین المللی و قوانین افغانستان از چه جایگاهی برخوردار است با این فرض که دولت افغانستان بپذیرش برخی از اسناد بین المللی در زمینه محیط زیست، اقدامات عملی داشته و تلاش های در زمینه قانونگذاری انجام داده است، ولی این اقدامات و قوانین، تمام زمینه ها و معضلات محیط زیستی را پوشش نمی دهد و به صورت ناقص می باشد.

۱- تعاریف

الف- تعریف حق و حقوق :

برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کسی امتیازهایی را در برابر دیگران می شناسد و توان خاصی به او می بخشد، این امتیاز و توانایی را حق می نامند، مثل حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و.... (ناصرکاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۱)

آنچه که موضوع این نوشتار است " حقوق محیط محیط زیست " مربوط به حقوق به معنی جمع حق است. به معنی امتیاز و صلاحیت. (خلیل خلییان به نقل از مهدی فیروزوی، ۱۳۷۱: ۱۴)

ب- تعریف لغوی محیط زیست:

اصطلاح محیط زیست خود ازدو کلمه " محیط (environment) و زیست. (subsistence) ترکیب یافته است. واژه محیط، آنچه احاطه می کند، احاطه اشیا یا ناحیه یا موقعیت، عمل احاطه کردن و نتیجه این عمل. (آریان پورکاشانی، ۳۳۲: ۱۳۶۶). درباره کلمه زیست گفته شده است که به معنای چیزی است که یک شخص برای زنده ماندن به آن نیاز دارد، تهیه کردن غذای کافی یا پول کافی برای زنده نگاه داشتن خود. حیات زندگی و عمر. (ناصرقاسمی، ۱۳۸۴: ۲۴)

زندگانی، اعاشه، امرارمعاش، دوام، وسیله معیشت، قلمرو حیات و زندگی. و عمر، زندگانی، اعاشه، امرارمعاش، دوام، وسیله معیشت، قلمرو حیات و زندگی، هستی، وجود داشتن. (آریان پورکاشانی، ۱۳۶۶: ۱۰۷۸) و مانند آن، همچنین، همین تعبیر در فرهنگ های لغت دیگر نیز بیان شده است. بنابراین محیط زیست از نظر لغوی به معنای محلی که آدمی را احاطه کرده است و نیز قلمرو حیات و زندگی است.

ج- تعریف اصطلاحی محیط زیست و حقوق بین الملل:

الف - حقوق بین الملل عبارت است از مجموعه قواعد الزام آوربر روابط بین کشورها و دیگر اعضای جامعه بین المللی. (مهدی فیروزوی، ۱۳۸۴: ۲۳)

ب- در قوانین و مقررات افغانستان، تعریفی از محیط زیست ارائه نشده است، بنابراین نمی توانیم در این مورد به قانون داخلی استناد کنیم، ناگزیریم که به متون دیگر مراجعه نماییم.

همچنین در قوانین بسیاری از کشورها مانند فرانسه و لهستان نیز تعریف از حقوق محیط زیست بیان شده است. (ناصرقاسمی، ۱۳۸۴: ۲۳) محیط زیست به معنای امروزی آن در بسیاری از زبان ها یک اصطلاح نوتازه است،

اصطلاح محیط زیست را می توان به یک منطقه محدود و یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده اطلاق کرد. (همان، ۲۵)

اصطلاح بیوسفر (Biosphee) یا لایه حیاتی که یونسکو (UNESCO) خصوصا آن را به کار می برد بایکی از وسیع ترین تعاریف مطابقت دارد، که عبارت است از محیط زندگی بشری آن بخش از جهان که بنابه دانش کنونی بشر همه حیات در آن استمرار دارد. (محمد حسن حبیبی، ۱۳۸۷: ۵) درحقیقت لایه حیاتی، همان لایه و قشر نازکی است که این کره خاکی را در میان گرفته است "بیوسفر" شامل زمین و هزاران متر بالا و عمق زمین و اقیانوس ها . در تعریف جامع دیگری درباره محیط زیست از کنوانسیون مسؤلیت مدنی خسارات ناشی از اعمال خطرناک در محیط زیست مورد استفاده قرار گرفته است، براساس آن، ترکیب محیط زیست شامل سه بخش عمده ذیل می شود: اولاً: منابع طبیعی اعم از تجدید پذیر و تجدید ناپذیر مانند : آب، هوا و خاک و تمام موجودات زنده و تأثیر متقابل این عوامل بایکدیگر است . ثانياً: اموال و دارای های که جزء میراث فرهنگی است. ثالثاً: مناظر و چشم اندازهای ویژه .

در تعریف دیگر، محیط زیست عبارت از مجموعه شرایط طبیعی، مصنوعی، فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی است که موجود زنده در آن رشد و نمو می کند و این که محیط زیست به دودسته محیط زیست طبیعی و انسانی (انسان ساخت) قابل دسته بندی است. (احمد لوانسانی، ۱۳۷۲: ۵)

۲- سیر تحول تاریخی حقوق محیط زیست

سیر تحول حقوق محیط زیست به سه دوره تقسیم شده است: الف- قبل از سال ۱۹۷۲ : در ابتدا حقوق بین الملل محیط زیست عموماً به صورت قراردادهای دوجانبه میان کشورهای اوکنوانسیون های بین المللی و منطقه ی برای حفاظت از محیط زیست یک منطقه خاص وجود داشت که در این خصوص می توان به کنوانسیون های ذیل اشاره کرد: اولاً: تصویب کنوانسیون ۱۹۰۲ پاریس در خصوص حفاظت از پرندگان که در کشاورزی مفید هستند. ثانياً: تصویب کنوانسیون ۱۹۰۹ در خصوص حفاظت از آب های مرزی میان کانادا و آمریکا، موسوم به کنوانسیون واشنگتن بود.

ثالثاً: تصویب کنوانسیون حفاظت از آبزیان و گیاهان معروف به کنوانسیون لندن در سال ۱۹۳۳ میلادی است.

رابعاً: تصویب اساسنامه سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۶ است که خصلت محیط زیستی دارد.

ویژگیهای خاص این کنوانسیون ها منطقه ی بون آنها بود که برای حفاظت از یک منطقه خاص تصویب می گردید.

ب- از ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲ : در سال ۱۹۷۲ بسیاری از سران دولت های جهان در استکهلم گرد آمدند که در نتیجه آن گردهمایی یک متنی همه جانبه تحت عنوان بیانیه ۱۹۷۲ تصویب شد؛ این بیانیه یک متن غیرالزام آوراست و ارزش حقوقی معاهدات را ندارد، اما در خصوص تأثیر این بیانیه به جرئت می توان گفت که بیش از معاهدات بین المللی بوده است .

از مهمترین آثار این بیانیه در حقوق بین الملل محیط زیست را می توان به ایجاد قواعد عمومی و اصول حقوقی در حقوق بین الملل محیط زیست و کمک به تکامل و توسعه این رشته اشاره کرد. هر چند قبل از ۱۹۷۲ اقدامات پراکنده را از سوی دولت ها برای حفاظت از محیط زیست برداشته شده بود اما بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ یک اقدام جهانی برای حفاظت از محیط زیست به شمار می آید.

ده سال بعد در سال ۱۹۸۲ منشور جهانی طبیعت در مقر سازمان ملل متحد به تصویب کشورها رسید. منشور جهانی طبیعت؛ منشوری است که همانند بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ غیرالزام آور بوده است. ثانیاً: ترجیح دهنده عرف های پراکنده حقوق بین الملل محیط زیست است .

ج- از ۱۹۹۲ تا به حال: بیست سال بعد از اعلامیه استکهلم، سومین متن حقوقی غیرالزام آور که در توسعه حقوق بین الملل محیط زیست تأثیر به سزای داشت، تحت عنوان بیانیه ریو تهیه و تنظیم و تصویب گردید. در اعلامیه ریو مسأله توسعه پایدار به عنوان یک نطقه حقوقی جدید از قبیل اصول پیشگیری، احتیاطی، جلوگیری، اصل توسعه پایدار و غیره، مطرح و به میان آمده است .

از سال ۱۹۹۲ به بعد کنوانسیون های بین المللی مهمی در حقوق بین الملل به وجود آمد که می توان به کنوانسیون تغییرات آب و هوا یا کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد در خصوص بهره برداری از آبراهه ها و راه ها بین المللی در مقاصد غیر کشتیرانی اشاره کرد . در سال ۲۰۰۲ یعنی ۱۰ سال بعد از بیانیه ریو، بیانیه ژوهانسبورگ واقع در آفریقای جنوبی با تأکید بر اصول مطرح شده در بیانیه ریو صادر شد. (محمدصابر انسان دوست، (۱۳۹۲: ۱۶)

۳- منابع حقوق بین الملل محیط زیست

دو سند منطقه ای در دست است که ملهم از نظر گاه های اکولوژیکی است و می توان آنها را نیای مفاهیم امروز محیط زیست به حساب آورد، اولی: کنوانسیون ۱۹۳۳ لندن راجع به حفاظت از جانوران و گیاهان در حیات های طبیعی قابل اجرا در آفریقای دوران استعمار می باشد که موجب احداث پارک های طبیعی و حفاظت دقیق از نسل برخی از انواع حیوانات وحشی می گردد . سند دوم: کنوانسیون ۱۹۴۰ واشنگتن راجع به حفاظت طبیعت و حیات وحش در نیمکره غربی است که احداث قرقگاهها و حفاظت از حیوانات وحشی و نباتات و بویژه پرندگان مهاجر را مد نظر قرار می دهد .

همچنین در بین دو جنگ جهانی، آلودگی برخی از رودخانه ها و دریاچه ها با ذکر علت آلودگی در معاهدات در خصوص قابل انتقال بودن آلودگی از مرز کشورها آمده است، این کوشش ها بعد از جنگ جهانی دوم بیشتر در اروپا استمرار یافت .

در نتیجه این کوششها، مبارزه با آلودگی دریاها در طول دهه ۱۹۵۰ پدید آمد. کنوانسیون لندن در سال ۱۹۵۴ راجع به حفاظت دریاها از آلودگی نفتی نخستین گام آزمایشی در این راستا به حساب می آید. فن آوری جدید در خصوص نحوه بهره برداری از انرژی هسته ای منجر به مقررات بین المللی بیشتری شد.

معاهده ۱۹۶۳ مسکو مبنی بر ممنوعیت آزمایش سلاح های هسته ای در جو، ماورای جووزیر آب از آن نمونه است. معاهده دیگر در سال ۱۹۶۷ راجع به فضای ماورای جو از جمله ماه و سایر اجرام آسمانی اعلام می کند و می گوید: دولت ها باید از آلودگی زیان آوری که موجبات تأثیر بر کره زمین را فراهم می کند یا از تولید موادی که به زمین صدمه می زند، اجتناب کنند.

در کنار این تحول تاریخی، رویه قضایی دادگاههای بین المللی به طور تصاعدی، اصول پایه ای حاکم بر کوچکترین بخش های حقوق بین الملل محیط زیست را راجع به آلودگی فرامرزی بنیان نهاد، اولین آنها رأی داوری ای است راجع به خسارتی که کارخانه ذوب فلز مس در سرزمین کانادا به کشاورزان آمریکایی وارد می سازد که اعلام می دارد: هیچ دولتی حق ندارد از سرزمین خود به نوعی استفاده کند و یا اجازه استفاده از آن را به گونه ای بدهد که در نتیجه آن با نشر گازهای آلوده کننده باعث خسارات به سرزمین دولت دیگری که اموال اشخاص در آن قرار دارد، بشود در سال ۱۹۴۹ رای دیوان دادگستری بین المللی لاهه در قضیه تنگه کورفو اعلام می کند که: هیچ دولتی در استفاده از سرزمین کشور خود حق ندارد به دیگر دولت ها صدمه وارد کند. باز اخیراً در سال ۱۹۹۶ رای مشورتی دیوان بین المللی دادگستری وجود الزامی همگانی را برای دولت ها به رسمیت می شناسد که در نتیجه آن دولت ها باید تضمین کنند که اعمال انجام شده در داخل محدوده قلمرو قضایی آنها نگردد. این سوابق قضایی پایه های اصلی بخش مهمی از حقوق محیط زیست بین الملل را توسعه می دهد که مانع زیان رساندن به محیط زیست فرامرزی می گردد (الکساندر کیس، ۱۳۸۷: ۱/۲۴).

۴- تعهدات دولت افغانستان در زمینه محیط زیست

الف- تعهدات محیط زیستی افغانستان بر اساس اسناد بین المللی

افغانستان کنوانسیون باسل راجع به انتقال و دفع زباله های پرخطر را امضاء نموده است و در روند الحاق به کنوانسیون انواع مهاجر و کنوانسیون رامسر پیرامون باتلاق ها، قرار دارد. وزارت زراعت و آبیاری مرجع تماس برای کنوانسیون تنوع بیولوژیکی ملل متحد، کنوانسیون مبارزه با گسترش دامنه ی صحرا و کنوانسیون بین المللی تجارت انواع موجودات زنده در معرض خطر می باشد.

افغانستان معاهده های ازن (کنوانسیون ویانا و پرتوکول مانتريال) و چارچوب کنوانسیون ملل متحد در مورد تغییر اقلیم را نیز به تصویب رسانیده است که مرجع تماس آن اداره ملی حفاظت محیط زیست می باشد.

افغانستان تا کنون عضو پروتوکول کیوتو و یا هم کنوانسیونهای مواد کیمیایی به شمول کنوانسیون های "POPs (Stockholm) و باسل Basel نمی باشد. اداره سی این کنوانسیون ها شاق و سنگین است و اداره ملی حفاظت محیط زیست تا کنون ظرفیت کافی برای پیشبرد چنین وظیفه مهمی را ندارد. (برنامه انکشاف ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان، ۱۳۹۳-۱۳۸۷ کابل.)

ب- دستورالعمل دولت افغانستان در مورد محیط زیست

تخصیصهای بودجوی دولت در مورد محیط زیست و استراتژی ملی محیط زیستی بالای بیشتر سکتور های استراتژیی انکشاف ملی افغانستان قابل تطبیق است و نمی توان به طور سکتور مستقل با آن معامله نمود. ادغام مسایلی خصوصاً حصول اطمینان در مورد تخصیص بودجه های سالانه با در نظر داشت نیازمندی های محیط زیست مهم پنداشته می شود. اختصاص بودجه از سوی وزارت مالیه و تقاضای بودجه های وابسته به وزارتخانه ها بایست شامل فعالیت های مناسب تحت قانون محیط زیست و یا تمویل فعالیت های محیطی در مطابقت با مسئولیت های مربوطه گردد.

دربخش دیگر از برنامه انکشاف ملی افغانستان آمده است:

مشارکت بین الوزارتی بخاطر هماهنگ ساختن طرز العمل های محیطی مانند کمیته هماهنگی محیط زیست، معلومات در مورد طرح مناسب بودجه های سالانه را برای وزرا فراهم خواهد نمود. یک تحلیل در مورد اختصاص بودجه های دولتی بایست سالانه از معلومات اساسی ۱۳۸۶ آغاز گردد یعنی اولین سال مالی بعد از انقضای قانون محیط زیست بمنظور نظارت از اختصاص هزینه ها میان همه سکتور ها و وزارت های ذیربط برای فعالیت های اداره محیط زیست صورت گیرد..

شرکاء بین المللی همکاران بین المللی اداره ملی محیط زیست و سایر ادارات دولتی تجارب و ابتکارات خویش را برای حمایت و اداره محیط زیست بهتر در اختیار دولت افغانستان قرار داده اند. پروژه های ذیربط بیشتر توجه شان را

در ساحات اساسی محیط زیست افغانستان مانند تنوع بیالوژیکی، توسعه جنگلات، اداره تنظیم آب، اداره منابع طبیعی، انرژی قابل تجدید، محیط زیست و کاهش فقر معطوف می دارند. بهر حال تلاش های مشترک تجارب مهمی را برای این استراتژی به دست آورده است. همکاری های متداوم همکاران بین المللی در امر تطبیق استراتژی ملی محیط زیست بسیار مهم پنداشته میشود. (برنامه انکشافی ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان، ۱۳۸۷-۱۳۹۳. کابل)

۵- ضمانت اجرای حقوق محیط زیست

الف- تعهد به اجرای اسناد بین المللی محیط زیست

اسناد فراوانی در موضوع محیط زیست به تصویب رسیده است که این اسناد را می توان در دو دسته ی اسناد الزام آور و اسناد غیر الزام آور طبقه بندی کرد. از سوی دیگر، شناسایی حقی برای انسان در زمینه ی محیط زیست تحت عنوان حق بر محیط زیست سالم، موضوعی است که طی دو دهه ی گذشته به طور واضح و آشکار در اسناد متعددی در زمینه ی محیط زیست بیان شده است اما اسنادی که بیان کننده ی این حق هستند، همچون اعلامیه ی استکهلم، پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی، منشور جهانی طبیعت، اعلامیه ی ریو و ... اگر چه اسنادی هستند که از اهمیت بسیاری برخوردارند، اما الزام آور نیستند (اردشیر امیرارجمند، ۳۴۳: ۱۳۹۰) که این خلاً با تصویب دو سند منشور آفریقایی حقوق، منطقه ای الزام آور تا حدودی رفع شده است اولین سند منشور آفریقا ی حقوق بشر مصوب ۳ مصوب ۱۹۸۱ است. ماده ی ۲۴ این منشور اعلام می دارد: کلیه ی اقوام حق دارند از محیط زیستی رضایت بخش و جامع، مناسب برای توسعه ی خود برخوردار باشند.

پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ در زمینه ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۴ نوامبر سال ۱۹۸۸ است که حاوی اصلی در زمینه ی حقوق محیط زیست است. در ماده ی ۱۱ این پروتکل، تحت عنوان حق بر محیط زیست سالم، آمده است: هر فرد حق دارد در محیط زیست سالم زندگی کند و از خدمات عمومی اساسی بهره مند گرد. (مهدی فیروزی، ۱۳۸۴: ۸۸) دولت های عضو متعهد می شوند که حراست، حفاظت و بهبود محیط زیست را ترویج (اردشیر ارجمند، ۳۴۸: ۱۳۹۰) نمایند. شایان ذکر است که در برخی از اسناد دیگر حقوق بشر نیز به طور غیر مستقیم به این حق اشاره شده است، به عنوان مثال ماده ی ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۰، دولت ها را موظف می نماید که برای حفاظت از سلامت کودکان، تدابیر لازم را خصوصاً با توجه به حوادث ناشی از آلودگی های محیط زیست اتخاذ نمایند. همچنین بند ۱ ماده ی ۴ کنوانسیون سازمان بین المللی کار (۲۷ جون ۱۹۸۹) در خصوص قبایل و اقوام بومی در کشورهای مستقل نیز، دولت های عضو را ملزم به

اتخاذ تدابیر ویژه برای حفاظت از محیط زیست این اقوام می نماید. با این حال آن چه در شرایط حاضر حق بر محیط زیست، برای توسعه ی بیشتر ، حقوق بین الملل نیاز دارد، تأیید قواعد مربوط به آن در یک سند الزام آور جهانی می باشد.

مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال نقض مقررات زیست محیطی بر اساس حقوق بین الملل سنتی، دولت ها در قلمرو خویش و منابع طبیعی موجود در آن از حاکمیتی مطلق و صلاحیتی انحصاری برخوردار بودند. حال آن که حقوق بین الملل محیط زیست ماهیتاً این اصول سنتی را به چالش کشید، زیرا بر مبنای یافته های جدید، محیط زیست مرز نمی پذیرد و حیطه ی صلاحیت سرزمینی دولت ها را درمی نوردد. توده های هوا، جریان های اقیانوسی، رودخانه ها و گونه های جانداران مهاجر، همگی بدون ملاحظه ی مرزهای ساختگی انسان ها در حال حرکت و جابه جایی هستند. گرچه در ظاهر دولت ها در قلمرو خویش دارای حق حاکمیت مطلق هستند، ولی نظام بین المللی متشکل از کشورهای برابر، ترسیم کننده ی چهره ای نسبی از حاکمیت کشورها است و آزادی و استقلال هر دولت را منوط به عدم تحدید آزادی دولت های دیگر می سازد. چنانچه از رهگذر آزادی نامحدود در بهره برداری انحصاری از منابع طبیعی توسط کشور ذی ربط، منافع سایر کشورها تحت تأثیر قرار گیرد، به کشور مزبور نمی توان در زمینه ی بهره گیری از منابع خود، آزادی انحصاری یا نامحدود اعطا کرد. بر این اساس در حقوق بین الملل محیط زیست، جلوگیری از آلودگی مورد تأکید قرار گرفته و معیارهای جهانی مشترک جهت به نظم در آوردن اعمالی خاص و یا ممنوع ساختن برخی فعالیت ها اتخاذ گردیده است. اما این به تنهایی کافی نیست، بلکه مهم ضمانت اجرا و مکانیسم جبرانی نقض قواعد حقوق بین الملل محیط زیست، یا به عبارت دیگر، مسئولیت بین المللی ناشی از نقض آن قواعد است .

البته ذکر این نکته ضروری است که موضوع مسئولیت بین المللی دولت ها از جمله عرصه های حقوق بین الملل است که به قول آقای گارسیا آمادور منخبر اسبق کمیسیون حقوق بین الملل، از پیچیدگی و ابهام زیادی برخوردار است. این پیچیدگی و ابهام در زمینه ی مهمی همچون حقوق بین الملل محیط زیست که رشته ای جوان است، دو چندان می شود.

در حال حاضر برای موارد عدم رعایت الزامات محیط زیست، اتخاذ تصمیم قاطع وجود ندارد مگر مواردی که ممکن است باعث فشار بر عموم شود و انتشار بعدی آن حتی موجب آثار معکوس گردد، لذا راه حل های پیشنهادی ارائه شده از سوی دولت های ذی ربط می تواند سودمند باشد.

دربریخی موارد مجازات های مورد نظر شامل تعلیق کمک یا لغو کمک از طرف بانک جهانی یا بانک توسعه منطقه ی است برای دولتی که موجب عدم اعمال الزامات زیست محیطی گردیده است. همچنین می توان این تعلیق نسبت به حقی که دولتی آن را تحصیل کرده قابل عمل دانست. اما در برخی موارد اعمال این رویه تا اندازه ی ممکن است موجب فراغت آن عضو از الزامات مذکور گردد لذا نباید بر شدت این گونه مجازات ها افزود.

یکی از جالب ترین راه حل ها در پروتکل ۱۹۹۲ منترال به نام اصلاحیه کپنهاک راجع به حفاظت لایه ازن پیش بینی شده است که می گوید: دولتی که با وجود کوشش های مقتضی، قادر به انجام الزامات مربوطه نباشد می تواند با واگذاری رسیدگی این امر به کمیته اجرایی، حسن نیت خود را مبنی بر پیروی از مقررات مربوطه نشان دهد. در این حالت، آن کمیته پس از گردآوری اطلاعات و مشاهدات، تلاش های مبنی بر تصمیم دوستانه آن موضوع را به عمل می آورد و بعداً گزارش آن را برای اجلاس اعضا فراهم می کند. اقدامات بعدی ممکن است شامل فراهم کردن وسایل همکاری باشد مانند گردآوری و ارسال گزارش مربوط به اطلاعات خواسته شده راجع به انتقال فن آوری، کمک مالی، تبادل اطلاعات و آموزش. (الکساندر کیس، ترجمه محمد حسن حبیبی، ۱۳۸۷: ۶۴/۱)

ب- اقدامات تقنینی دولت افغانستان در زمینه محیط زیست

چارچوب تقنینی ترکیب سیستم دولت داری افغانستان و تخریب منابع طبیعی آن، ضرورت تدوین یک قانون محیط زیست را تسریع نمود که اولین سند قانونی در مورد محیط زیست در کشور می باشد. این قانون در دسامبر (۲۰۰۵) توسط رئیس جمهور تائید و نافذ گردید. در جریان ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) قانون توسط شورای ملی (ولسی جرگه) تائید و متن نهائی آن در جنوری (۲۰۰۷) در جریده رسمی (شماره ۹۱۲، مؤرخ ۲۵ جنوری سال ۲۰۰۷، منتشر گردید. قانون محیط زیست مبتنی بر معیار های بین المللی بوده که وضعیت کنونی محیط زیست افغانستان را شناسائی و ضمناً چوکاتی را برای پیشرفت اداره و کنترل وضع می نماید که به تنظیم مؤثر محیط زیستی منتج شود.

قانون علفچر های افغانستان و قانون جنگلات افغانستان هم مبنای عمل و اجراءات نهادها و سازمان های مرتبط به محیط زیست از جمله اداره ملی حفاظت محیط زیست می باشد.

اداره ملی حفاظت محیط زیست معیار های کیفیت هوا برای افغانستان را، بر بنیاد دیتا (معلومات) موجوده به شمول "رپور تنظیم کیفیت هوای کابل" که توسط بانک انکشاف آسیائی تهیه شده، طرح می نماید.

طی چند سال آینده، چارچوب تنظیم محیط زیست افغانستان نسبتاً تکمیل خواهد شد. هر چند که نیل بخاطر تطبیق و اجرای این قوانین، یک مدت زمانی را، دربر خواهد گرفت. مانند قانون منابع طبیعی که در حالت انکشاف قرار دارد و روند تطبیق با استفاده از شیوه های آزمایشی ساحوی، بتدریج براه انداخته خواهد شد. (برنامه انکشاف ملی دولت

افغانستان از ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳)

قوانین افغانستان در زمینه محیط زیست، موردی و ناقص است نسبت به کنوانسیون های بین المللی در زمینه محیط زیست، و در مواردی از پدیده های آلوده کننده محیط با خلاء قانونی مواجه هستیم، در عمل نیز کارهای جدی در حفاظت از محیط زیست صورت نگرفته است؛ قوانین و مقررات موجود بیشتر به صورت فرمولیته و سمبولیک است تا در جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست.

نتیجه گیری

- ۱- بی تردید اگر حقوق محیط زیست مبتنی بر منفعت و علایق مشترک بشریت است، باید گفت که این منفعت در حقوق شناخته شده برای افراد نیز منعکس است، لذا تضادی بین این دو، در طرح و بررسی مسأله وجود ندارد. رعایت جهانی حقوق و آزادی های بنیادین افراد، جزئی از علایق و منافع مشترک بشریت است .
- ۲- بعد از اعلامیه ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاقین (۱۹۶۶)، اعلامیه استکهلم در سال ۱۹۷۲ جایگاهی رفیع در نظام بین المللی به خود اختصاص داد با محیط زیست رابطه و پیوندی اساسی برقرار کرد. همچنین پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی، دارا بودن حق بر محیط زیست را یکی از اشکال حیثیت انسانی تلقی کرده که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل های آینده است. در دیگر اسناد بین المللی نیز قواعدی مشابه وجود دارد از جمله اعلامیه ی ریو و منشور جهانی طبیعت.
- ۳- این امر، روشن است که با به خطر افتادن محیط زیست انسان، بدیهی ترین و اساسی ترین حق انسانی یعنی حق حیات وی به مخاطره می افتد، به همین خاطر هر دولتی باید حیات اجتماعی را چنان سامان دهد تا تضمینی برای حفظ مبانی و پایه های طبیعی حیات باشد. از این رو، این مسأله که ما در قبال نسل های آینده مسئول هستیم، در ابتدا متوجه دولت است و آن را ملزم می دارد تا با اتخاذ سیاستی در سطح ملی و بین المللی این مسئولیت را اجابت کند. البته در این عرصه هنوز در آغاز راه هستیم و با وجود تکوین قاعده ی مورد بحث، تا زمان دست یابی به مکانیسم اجرایی عام و مؤثر برای تضمین آن، راه درازی در پیش است.
- ۴- دولت افغانستان با پذیرش برخی از اسناد بین المللی در زمینه محیط زیست، تلاش های در زمینه قانونگذاری انجام داده است، ولی این قوانین، تمام زمینه ها و معضلات محیط زیستی را پوشش نمی دهد و به صورت ناقص می باشد، در زمینه برخی از آلوده کننده ها و آلودگی ها قانونگذاری صورت نگرفته است، در عمل نیز با توجه به جنگ و نابسامانی های حاکم بر کشور در دهه گذشته در جهت بهبود و حفاظت از محیط زیست، می توان گفت تاکنون کار اساسی صورت نگرفته است، به عنوان نمونه می توان گفت: آموزش محیط زیست

در نصاب تعلیمی کشور به عنوان حیث یک مضمون اجباری در نظر گرفته نشده است، به نسبت نبودن بودجه مناسب و تکنالوژی مؤثر تحقیقات لازم محیط زیستی صورت نگرفته است. برای وقایه و جلوگیری از عوامل آلوده ساز محیط زیست برنامه زیربنائی دیده نمی شود. آلودگی هوایی، آبی، موجودیت و تراکم زیاله های محیط زیستی به ویژه در شهر کابل و شهرهای بزرگ کشور، در افزایش امراض نقش به سزائی داشته است؛ براساس تحقیقات انجام شده، سالانه هزاران انسان در نتیجه این آلودگی در افغانستان میمیرند، دسترسی شهروندان کشور به آب آشامیدنی بسیار اندک است میلیون ها نفر به آب صحتی آشامیدنی دسترسی ندارند، قرار معلومات منابع طبیعی افغانستان (جنگل ها و علفچرها) نسبت استفاده از سیاست های تمرکز یافته قبلی مورد هجوم مردمان محل (قطع بی رویه، چرای مفرط، تعویض اراضی جنگل و علفچر به زمین های زراعتی و مقاصد دیگر) قرار گرفته و رو به زوال است .

بیشتر جنگلات افغانستان در نتیجه عوامل مختلف از بین رفته است. و بیشتر خاک و زمین های زراعتی، دچار فرسایش شده و تبدیل به بستر رودخانه گردیده و از قابلیت کشت خارج شده است و به انکشاف منابع طبیعی به طور لازم پرداخته نشده است، معادن به شکل غیر قانونی توسط اشخاص غیر مسئول استخراج می شود. در مجموع تدابیر حفاظتی جهت حفاظت محیط زیست ضعیف و اندک است، جایگاه متخصصین و کارشناسان در کمیته های محیط زیستی مدنظر گرفته نشده است. برای جلوگیری از انتشار آلودگی تا کنون، مقرر تنظیم نگردیده است.

با در نظر گرفتن وضعیت محیط زیست کشور، دولت، شوراهای ملی و محلی مشورتی و محیط زیستی، کمیته های محیط زیستی، کمیته های اختصاصی، همکاری در عرصه ساختاری و تشکیلاتی ندارد و اقدام مناسب و قناعت بخش برای مقابله باتخریب و آلودگی محیط زیست انجام نداده است.

منابع و مأخذ

- ۱- آریان پورکاشانی، عباس، منوچهر، ۱۳۶۶، فرهنگ انگلیسی به فارسی، جلد اول، چاپ دهم، امیرکبیر، تهران
- ۲- الکساندرکیس و دیگران، ۱۳۸۷، حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، چاپ دوم، دانشگاه تهران.
- ۳- انساندوست، محمد صابر، ۱۳۹۲، نظام حقوقی محیط زیست در افغانستان در پرتو اسناد بین المللی، انتشارات سعید، کابل .
- ۴- بنان، غلام علی، ۱۳۵۱، محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن، ج اول چاپ اول، انجمن ملی منابع طبیعی و محیط انسانی، تهران.
- ۱- برنامه انکشافی ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان، (۱۳۸۷-۱۳۹۳) کابل .
- ۲- پاشایی، علی، ۱۳۶۹، فرهنگ انداخته نو " احمد بیرشک، محمود بهزاد چاپ اول، مازیار، تهران .
- ۳- خلیلیان، خلیل، ۱۳۷۸، حقوق بین الملل اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸
- ۴- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۴، درآمدی بر حقوق اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه دهخدا، جلد دوازدهم چاپ اول، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۶- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۷۳، حقوق بین الملل عمومی، کتابخان هی گنج دانش، تهران.
- ۵- فیروزی، مهدی، ۱۳۸۴، حق بر محیط زیست، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- ۶- قاسمی، ناصر، ۱۳۸۴، حقوق کیفری محیط زیست، جمال الحق، تهران.
- ۷- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۱، مقدمه ی علم حقوق، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران.
- ۸- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۷، مبانی حقوق عمومی، نشر دادگستر، تهران.
- ۹- مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۷۴، مبانی و کلیات علم حقوق، نشر همراه، تهران.
- ۱۰- مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۸۹، حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط بین الملل، نشر همراه، تهران .
- ۱۱- معلم، مرتضی، ۱۳۶۶، فرهنگ جدید فارسی- فرانسه " جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۱۲- لواسانی، احمد، ۱۳۷۲، کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو، وزارت خارجه ایران، تهران .